

## نقش احساس تعلق در هویت‌بخشی به معماری اماکن متبرکه در شهرهای مذهبی

(نمونه موردی؛ مشهد و کربلا)

حمیدرضا نیکوقدم<sup>۱\*</sup>، حامد کامل‌نیا<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد، [hamidreza\\_hrn@yahoo.com](mailto:hamidreza_hrn@yahoo.com)

<sup>۲</sup> استادیار دانشکده معماری و شهرسازی و هنرهای اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، [kamelnia@ferdowsi.um.ac.ir](mailto:kamelnia@ferdowsi.um.ac.ir)

### چکیده

در روند اشاعه جهانی شدن و نفوذ فرهنگ‌هایی که از پشتوانه و توسعه برخوردارند، معماری در جهان سوم و در کشورهای اسلامی در جست و جوی راهی برای تعامل با جهان، حرکت در مسیر جهانی شدن و در عین حال حفظ هویت و ارزش‌های اصیل خود می‌باشد. هوشیاری، استقلال-طلبی و بینش‌های جدید اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در این کشورها موجب شده است تا حفظ فرهنگ خودی را به عنوان یک اصل پذیرفته و در برابر کلیه آرمان‌های وارداتی غرب و دنیا حرف خود را داشته باشند. ارتباط میان فرهنگ، هویت و معماری ارتباطی پیچیده و چندلایه است، اما می‌توان گفت اثری که برای حفظ فرهنگ خودی تلاش می‌نماید اثری هویت‌مند است. از طرفی با توجه به عنصر هویت که "احساس تعلق خاطر به مجموعه‌ای مادی و معنوی" تعریف می‌گردد و هم‌چنین اهمیت محیط در ایجاد احساس تعلق به مکان، در صورتی که معمار بتواند با توجه به فرهنگ اصیل مخاطب و با شناخت عوامل محیطی ایجاد کننده احساس تعلق به مکان، فضایی طراحی نماید که در مخاطبان خود تعلق خاطر به وجود آورد، در هویت بخشیدن به اثر، موفق بوده است.

زیارتگاه‌ها از جمله اماکن مذهبی در کشورهای اسلامی می‌باشند که به دلیل داشتن مخاطب از سراسر جهان و قرار گرفتن در حلقه گردشگری مذهبی، نیازمند توجه خاص معماران این کشورها می‌باشند. در این مقاله سعی شده عوامل ایجاد کننده احساس تعلق به زیارتگاه‌ها که می‌تواند به هویت بخشی این بناها و معماری کشورهای اسلامی کمک نماید در دو نمونه کربلا و مشهد بررسی شوند.

واژه های کلیدی: "کشورهای اسلامی"، "هویت"، "احساس تعلق"، "معماری شهرهای مذهبی"، "اماکن متبرکه"

## The sense of belonging impact on identifying the holy places architecture in religious cities (Case studies: Mashhad and Karbala)

Hamidreza Nikooghadam<sup>1\*</sup>, Hamed Kamelnia<sup>2</sup>

<sup>1</sup> student of master degree, Ferdowsi university of Mashhad, [hamidreza\\_hrn@yahoo.com](mailto:hamidreza_hrn@yahoo.com)

<sup>2</sup> Assistance of Architecture & Urbanism Design Faculty, Ferdowsi university of Mashhad, Email: [kamelnia@ferdowsi.um.ac.ir](mailto:kamelnia@ferdowsi.um.ac.ir)

### Abstract

In the process of globalization spread and influence of the developed and supported cultures, Architecture in the Third World and Islamic countries investigates a way to interact with the world and move toward globalization, while preserving its own identical values. The correlation between culture, identity and architecture is complicated and multi-layered, but it should be considered that each opus trying for maintenance of culture is valuable. Considering the fact that "identity is defined as sense of belonging to a physical and spiritual complex" as well as the importance of the environment in creating a sense of place, the architect can be successful to identify the architecture by designing a space which addresses cultural and environmental factors to create the sense of belonging to a place.

Religious shrines are among the religious buildings in the Islamic countries, which due to having pilgrim from all over the world and being located in tourism realm, they require the architects' special attention. In this article we have tried to examine the factors which can create the sense of belonging to shrines and can contribute to the identity of the buildings and architecture of the Islamic countries in the two case studeis of Karbala and Mashhad.

Key words: "Muslim countries", "identity", "sense of belonging", "architecture of religious cities", "holy places"

## مقدمه

سیر تحولات و تغییرات مختلف و پیچیده فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و غیره که در چند دهه اخیر و به تبع پیشرفت روزافزون فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی رخ نمودند، افراد و ملل مختلف را از سراسر جهان به هم پیوند داده و شکل جدیدی از زندگی با همه ابعادش را پدید آورده است (حبیبی، ۱۳۸۹، ص. ۲). انگیزه این تعاملات و سبک زندگی جهانی، بهره‌مندی انسان‌ها از داشته‌های معنوی و مادی یکدیگر و تلاش جمعی برای رسیدن به کیفیت‌های متعالی زندگی است و سبب شده موضوع جهانی شدن به عنوان یکی از چالش‌های قرن جدید، با تمام جنبه‌های مثبت و منفی خود مورد توجه پژوهشگران قرار بگیرد.

رابرتسون معتقد است: "جهانی شدن مفهومی است که هم به فشرده شدن جهان و هم تشدید آگاهی جهانی اشاره دارد... فرآیندی که وابستگی متقابل حقیقی جهانی و آگاهی از جهان به عنوان یک کلیت یکپارچه را در قرن بیستم به دنبال داشته است" (محمودی، ۸۶؛ ص ۹). با این حال باید توجه داشته باشیم که جهانی شدن دنیا به معنای از دست دادن خویش و غناهای محیطی منطقه‌ای نیست و مقصود از جهانی شدن، مطلق‌گرایی و یا یکنواختی فرهنگی نیست و هر ملتی برای حفظ نعمت‌های جاویدان خود باید کماکان در چنین جهان پر اختلافی بسیار تلاش نماید که چیزی را با خود از خود در سفر تاریخ به همراه بیاورد که با شأن انسان در طول تاریخ، زمان و مکان در برابر تنوع و گوناگونی‌های ملت‌ها شأنی شایسته و بارز داشته باشد (دیب، ۱۳۸۱، ص. ۹). در واقع مردم برای این که بتوانند در دنیا، در جامعه و هم‌چنین با خودشان در آرامش به سر ببرند باید با تثبیت هویتشان ثبات و استقرارشان را برقرار کنند (فون مایس ترجمه آیوازیان، ۱۳۸۴، ص. ۱۹۷).

بی‌شک مکان و فضا از اهمیت چشم‌گیر در مقوله جهانی شدن و هم-چنین هویت‌سازی برخوردارند. فرآیند جهانی شدن به واسطه پیشرفت شگفت‌آور فناوری‌های ارتباطی، روند گسست مکان و فضا را شتاب می‌بخشد و رشته‌های پیوند زنده فضای اجتماعی با مکان و سرزمین معین را بیش از پیش پاره می‌نماید (محمودی، ۱۳۸۶، ص. ۹). از یک سو آثار با ارزش معماری گذشته در نگاه مردم چهره‌ای کهنه و قدیمی به خود گرفته و دیگر تاریخی شده گویی به تاریخ پیوسته و اسباب سرگرمی گردشگران گردیده است و از دیگر سو بناهای جدید نیز از سر ناچاری، مورد پذیرش استفاده‌کنندگان و کاربران قرار گرفته است. مردم بدون دخالت و مشارکت در شکل-گیری زیست‌گاه خویش و بی‌هیچ معیاری برای ارزیابی و بدون کم‌تر درکی از فضای معماری، زیستن را در زیست‌گاهی که دیگر "مردم-وار" نیست، تجربه می‌کنند (معظمی، ۱۳۸۵، ص. ۱۲).

کمبود دانش، نداشتن اعتقاد حرفه‌ای، کم‌توجهی به اصالت‌ها و شناخت ناکافی از فرهنگ، نادیده گرفتن حرمت و اصالت ریشه‌های ارجمند سرزمین و بسیاری مسائل دیگر از این دست، در کنار یکدیگر

این بحران و نابسامانی را موجب گردیده‌اند. معماری ما حیثیت تاریخی، فرهنگی خود را واگذاشته و در حالی که چیزی را جایگزین آن ننموده است، در گردابی از گرایش‌های جهانی و سلیقه‌های شخصی و رقابت‌های بازاری گرفتار آمده است (همان، ص. ۱۰).

## روش پژوهش و جمع‌آوری داده

در این تحقیق ابتدا براساس روش تحلیل محتوای معنایی، یستر نظری موضوعات اصلی نظیر هویت و احساس تعلق فراهم شده و سپس رابطه میان بحث موضوعات مطرح شده با معماری اماکن مذهبی در کشورهای اسلامی بسط یافته و واژه‌های کلیدی که در ساخت چارچوب مفهومی موضوع نقش اساسی دارد، استخراج می-شود و بر روی دو نمونه موردی انتخابی از اماکن مذهبی شهرهای اسلامی، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

در بخش موضوعات نظری و پیشینه پژوهش، اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای، اسناد و جست و جوی شبکه‌های جهانی به دست آمده است. در بخش بررسی نمونه‌های موردی، اطلاعات به شیوه مشاهده تشخیصی در محل توسط محقق و گفت و گو با افراد متخصص این حوزه به دست آمده است.

با توجه به کیفی بودن موضوع مورد بررسی، بهتر است به روش مشارکت افراد و توزیع پرسش‌نامه بین زائرین، به استخراج تأثیر عوامل ایجادکننده احساس تعلق در زائرین و هم‌چنین راهکارهای ایجاد آن در کالبد معماری بنای زیارتگاه‌ها پرداخت. که این امر، در پژوهش‌های بعدی محقق مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

## هویت<sup>۱</sup> و معماری

در حال حاضر در معماری ایران و سایر کشورهای اسلامی چگونگی هویت بخشیدن به بناها، یکی از دغدغه‌های اصلی است؛ در دوره معاصر به سبب برخی از فعالیت‌ها و کارکردها که آن نیز تحت تأثیر روابط جهانی به سمت یکسان شدن حرکت می‌کند و همین‌طور به دلیل تبادلات فرهنگی و به ویژه توسعه مدرنیسم و سایر گرایش‌های پس از آن در سطح جهانی، موضوع هویت ملی برای معماری برخی از کشورها و ایران، به عنوان یک موضوع اساسی مطرح شده است (سلطان‌زاده، ۱۳۹۴، ص. ۱۰).

در فرهنگ عمید هویت یعنی حقیقت شیء یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری وی باشد. هویت در لغت به معنای شخصیت، ذات، هستی و وجود و منسوب به هو می‌باشد (کبوترخانی و پورامین‌زاده، ۱۳۹۳، ص. ۳). هویت، احساس تعلق خاطر به مجموعه‌ای مادی و معنوی است که عناصر آن از قبل شکل گرفته‌اند. هویت در انسان-شناسی، به معنای نوعی خودآگاهی فردی یا جمعی نسبت به وجود مجموعه‌ای از خصوصیات فرهنگی-اجتماعی است که فرد یا گروه مزبور را از فرد، افراد یا گروه‌های دیگر جدا می‌نماید (حسینی،

<sup>1</sup> Identity

محیط و معماری با هویت، ایجاد حس تعلق به محیط و مکان طراحی شده می‌باشد.

به عقیده الکساندر هویت در محیط هنگامی تجلی می‌کند که ارتباط طبیعی و منطقی بین فرد و محیط حاصل شده باشد. وی معتقد است که بین فرد و محیط زندگی‌اش ارتباط و احساس تعلق خاطر به وجود نخواهد آمد مگر آن‌که قادر به شناخت عمیق و تشخیص آن باشد و توان درک تمایز آن نسبت به محیط‌های دیگر را نیز داشته باشد و بداند که در چه زمانی و به چه صورت پاسخ مناسبی به کنش‌های انجام یافته در آن محیط بدهد (حسینی، ص. ۱۰). در روان‌شناسی محیطی، تعلق مکانی به رابطه شناختی فرد یا جمع یا یک محیط اطلاق می‌شود و از لحاظ هویتی، تعلق مکان رابطه هویتی فرد به محیط اجتماعی است (خاکی و جهان‌بخشیان، ص. ۵۰۳).

با توجه به این که محیط یکی از عوامل مؤثر در حس مکان و احساس تعلق کاربران آن است، این مهم ضرورت انجام مطالعات گسترده در باب شناسایی در جهت بهبود عناصر فضایی-کالبدی مکان در ابعاد کمی و کیفی را می‌طلبد. نتایج حاکی از آن است که مؤلفه‌های کالبدی محیط با تأثیرگذاری بر مشخصات فردی، فعالیت-ها، تعاملات اجتماعی و غنی‌سازی معانی و مفاهیم مکان در طول زمان بر حس تعلق به مکان استفاده‌کنندگان اثر می‌گذارد (عباس‌زاده و دیگران، ۱۳۹۳، ص. ۱).

### حس تعلق به مکان

یک مهندس طراح باید اطلاعاتی در رابطه با متغیرهای روانشناختی مرتبط با محیط داشته باشد تا بداند چه عناصر روانی در طراحی فضاهای مختلف باید رعایت شود یا حتی دقیق‌تر شود و به طور متقابل روانشناس نیز به بررسی فرآیندهای روانی مؤثر بر احساسات و تنش‌ها در مکان‌های کالبدی تمایل نشان دهد و با شناخت این فرآیندهاست که طراحی یک مجموعه نسبت به دیگری متفاوت به نظر می‌رسد (اسلامی و کامل‌نیا، ۱۳۹۳، ص. ۱۰۶). یکی از متغیرهای مورد توجه معماران در طراحی محیط‌ها، موضوع حس تعلق به مکان می‌باشد.

حس تعلق از موضوعات جالب مورد توجه روانشناسی محیطی<sup>۳</sup> می‌باشد و واژه‌های متعددی نظیر دلبستگی به مکان، وابستگی به مکان، اولویت‌دهی به مکان، هویت مکان از جمله واژه‌های مرتبط به این مفهوم می‌باشند (فروزنده و مطلبی، ۱۳۸۹، ص. ۴). تعلق به مکان به این معنی است که مردم خود را به واسطه مکانی که در آن به دنیا آمده و رشد کرده‌اند، تعریف می‌کنند. این ارتباط که به طور کلی حس تعلق به مکان نامیده می‌شود مردم را به گونه‌ای عمیق و ماندگار تحت تأثیر قرار می‌دهد و خاطره مکان هویت و قدرت انسان را تقویت می‌نماید. در واقع احساس تعلق و دلبستگی به مکان سطح بالاتری از حس مکان است که در هر موقعیت و فضا به منظور بهره-

ص. ۳). از نظر والتر بور هویت همان تفاوت‌های کوچک و بزرگی است که باعث خاص بودن هر محیط به معنی اجتناب از بازشناخت یک مکان و خوانایی محیط می‌شود و حس دلبستگی و حساسیت محیط را به وجود می‌آورد و باعث تنوع و جذابیت است (همان، ص. ۳) و حفظ آن از آن جا لازم و ضروری است که بدون آن خوانایی محیط ممکن نیست. اصولاً تمییز مکان‌های مختلف برای زیست در آن‌ها لازم و ضروری است. انسان همواره به دنبال ابزاری می‌گردد که خود را به واسطه آن تبیین کند. از سوی دیگر فرد با حضور و رشد یافتن در جمع علاوه بر آن‌که دارای هویت شخصی یعنی نام، منزلت اجتماعی و روابط شخصی با دیگران می‌گردد بلکه با گرفتن عناصر مشترکی که فرهنگ نامیده می‌شود هویت جمعی پیدا می‌کند.

هویت هر انسانی در طول زندگی او ثابت نیست و تغییر می‌کند در نتیجه چیزهایی که با زندگی او در ارتباط هستند نیز تغییر می‌کند، معماری نیز از این مقوله جدا نیست و به طور متقابل هم معماری و هم هویت انسانی بر هم اثر دارند (کیوتراخی و پورامین‌زاده، ۱۳۹۳، ص. ۲). یک اثر معماری می‌تواند تبلور یک هویت جمعی (مذهبی، سرزمینی، نژادی،...) بوده و منعکس‌کننده ویژگی‌های فرهنگی جامعه خویش باشد و یا صرفاً به بیان شخصیت و هویت طراح و سازنده خود، مستقل از هنجارهای جمعی بپردازد. توجه فرهنگ جامعه و مخاطبان اثر می‌تواند به یک اثر معماری هویت بخشیده و در راستای تقویت حس تعلق به مکان اقدام نماید.

هماهنگی فضای شهر و معماری با ویژگی‌های فرهنگی سبب آشنایی فضا با انسان شده، باعث می‌شود او بتواند آن‌چنان که ویژگی‌های فرهنگی او ایجاب می‌نماید با فضا و کالبد ارتباط برقرار نماید، ارتباطی آسان و صمیمی که می‌تواند زمینه‌ساز تأثیرات مثبت فضایی که با هدف تعالی انسان خلق شده، بر او باشد. چنین فضایی، انسان و خصلت‌های او را ارج می‌نهد؛ بر پایه ویژگی‌های وجودی او، ارزش‌ها و ترجیحات او و مجموعه الگوهای فکری، احساسی و رفتاری، برخاسته از تاریخی که بر او گذشته و جغرافیایی که در آن زیسته است و باورهایی که به آن معتقد است عینیت می‌یابد. به نظر می‌رسد تا زمانی که انسان درگیر و دار درک و فهم معنای فضا و انطباق خود با آن قرار دارد، تا زمانی که مکانی را بیگانه با خود احساس می‌کند و تا زمانی که اثر معماری بی توجه به ویژگی‌های فرهنگی مخاطب خود، با هدف نمایان نمودن احجام عجیب و غریب و حیران نمودن انسان‌ها شکل گیرد، امکان تحقق رسالت معماری در آن حد و اندازه و کیفیتی که آن بنا یا فضای معماری ایجاب می‌نماید کمتر فراهم می‌شود (الله‌دادی، ۱۳۹۳، ص. ۴).

### هویت و احساس تعلق<sup>۲</sup>

همان طور که پیش از این در تعریف هویت آمد، هویت از احساس تعلق به موضوعات مادی و معنوی نشأت می‌گیرد و لازمه شکل‌گیری

<sup>3</sup> Environmental Psychology

<sup>2</sup> Sense of belonging

جدول ۱- عوامل مؤثر بر ایجاد حس تعلق به مکان با توجه به دیدگاه-  
 های اندیشمندان، منبع: عباس‌زاده و دیگران، ۱۳۹۳

عوامل مؤثر در ایجاد حس تعلق به مکان	اندیشمندان
عقاید فرهنگی، مقیاس، اختصاصی بودن، قابل دسترسی بودن	آلتمن
تعلق خاطر، مقیاس، درک پذیری، روابط اجتماعی، وجوه زمانی، عوامل بازیگر و تأثیرگذار	آلتمن و لو
نمادها و سمبل های فرهنگی و اجتماعی کالبدی	رابرت
خوانایی، خاطرات جمعی، عناصر کالبدی (راه، لبه، نشانه، گره)، سرزندگی، هویت، معنی، دسترسی، کنترل و نظارت، تناسبات.	لینچ
اندازه مکان، درجه محصوریت، تضاد، مقیاس، تناسبات، مقیاس انسانی، فاصله، بافت، رنگ، یو، صدا، تنوع بصری، هویت، تاریخ، تخیل و توهم، راز و رمز، لذت، شگفتی، امنیت، سرزندگی، شور، خاطره.	فریتز استیل
موقعیت، منظر، درهم تنیدگی، شخصیت کالبدی، مالکیت، اصالت، ساکنین و وسایل رفاهی، طبیعت (مانند: آب، گیاهان، آسمان، خورشید) فضای خصوصی و جمعی.	سالواسن
رنگ تعلق (قابلیت شخصی سازی)، نفوذپذیری، گوناگونی، خوانایی، انعطاف پذیری، سازگاری بصری، غنای حسی.	بتلی و همکاران
تعامل محیطی فعال، استفاده از عناصر طبیعی در طراحی محیط	رابرت رایان
	بیر و هیگنز مالکیت
تنوع فعالیت‌ها، اختلاط کاربری، توجه به خیابان، نفوذپذیری، تأکید بر تعاملات اجتماعی، انعطاف پذیری.	جین چیکویز
اقدام کاربری‌ها و فعالیت‌ها، مقیاس انسانی، آزادی عابران پیاده، قابلیت دسترسی به همگان، ایجاد وضوح، محیط‌های ماندگار، کنترل تغییرات.	فرانسیس تیبالدز
احساس رضایت، تمایل به ماندگاری	جهانشاه پاکزاد
یادآوری خاطرات، حظ بصری.	لنارد
حفظ تسلسل حرکت‌ها، محصوریت فضا، پیوستگی لبه‌ها، کنترل محورها و پرسپکتیوها، ممزوج نمودن فضاهای بیرون و درون.	راجر ترنسیک
لبه و مرز، محصوریت بصری، تضاد و تنوع، دیدها، ورودی و خروجی و نام‌گذاری.	توان

اهمیت اماکن متبرکه در شهرهای مذهبی

اماکن مذهبی همواره مقصد عاشقان و علاقه‌مندان به این فضاها بوده و به مرور زمان به عنوان یکی از قطب‌های گردشگری شناخته می‌شوند و هر سال تعداد زیادی از گردشگران را به سوی خود جذب می‌کنند. بنابراین افزایش تقاضا برای گردشگری مذهبی پیشرفت‌ی اجتماعی است و امری ضروری در زندگی مدرن تلقی می‌شود. لذا برنامه‌ریزی با رویکرد راهبردی می‌تواند یکی از شیوه‌های بهره‌برداری از این فرصت‌ها برای مناطقی با ظرفیت‌های فرهنگی و مذهبی باشد و توسعه فضاهای مذهبی براساس معیارهای طراحی شهری و در تقویت گردشگری فرهنگی- مذهبی می‌تواند آثار و پیامدهای مثبتی را برای جامعه و افراد در برداشته باشد و منجر به حفظ سرمایه‌های فرهنگی و اعتبار بیشتر آن خواهد شد (صفدری، ۱۳۹۳، ص. ۲۲۹).

این مکان‌ها هم‌چنین برای حضور ایران‌گردان و به خصوص جهانگردان، شرایط توجه دیگری را هم با خود همراه دارند. بنابراین از یک طرف مکان نمازگزاران و یا مراسم معمول و مرسوم شهروندان

مندی و تداوم حضور انسان در مکان نقش تعیین‌کننده‌ای می‌یابد (عباس‌زاده و دیگران، ۱۳۹۳، ص. ۵). حس مکان نه فقط باعث هماهنگی و کارکرد مناسب فضای معماری و انسان است بلکه عاملی برای احساس امنیت، لذت و ادراک عاطفی افراد نیز می‌باشد و به هویت‌مندی افراد و احساس تعلق آن‌ها به مکان کمک می‌کند (غضنفری‌نیا و نصر، ۱۳۹۳، ص. ۴).

آلتمن<sup>۴</sup> حس تعلق در محیط را بیش از تجربه شناختی دانسته و اعتقاد دارد این حس عقاید فرهنگی مرتبط‌کننده افراد با محیط را هم شامل می‌شود و خصوصیات این محیط را ۳ عامل **مقیاس، اختصاصی بودن و در دسترس بودن** بیان می‌کند (نمازیان، ۱۳۸۲). لینچ<sup>۵</sup> تأکید بر احساس تعلق را یک ضابطه طراحی می‌داند. رابرت رایان<sup>۶</sup> تعامل با محیط را شامل ۳ دسته‌بندی فعال، نیمه‌فعال و غیرفعال می‌داند و تنها تعامل محیطی فعال را فاکتور مهم و تأثیرگذار در شکل‌گیری احساس تعلق معرفی می‌کند.

آبراهام مازلو<sup>۷</sup> محیط ساخته‌شده را (در صورت شکل‌گیری مناسب) رفع‌کننده نیازهای فرد می‌داند. وی نیازهای انسان را شامل نیازهای فیزیولوژیکی، ایمنی، احساس تعلق (مثل عضویت در گروه) نیاز به احترام و خود شکوفایی می‌داند (لنگ، ترجمه عینی‌فر، ۱۳۹۱، ص. ۲۳۴). از نظر نیازهای انسانی ارائه شده، حس تعلق برگرفته از نوعی نیاز اجتماعی بودن انسان می‌باشد که به دنبال یافتن جایگاهی محکم در جهت ارتباط با محیط و پیوند صمیمانه با آن می‌باشد. انسان فضا را براساس نیازهای اساسی خود تعبیر کرده و بر اساس شایستگی‌ها و انگیزش‌های خود معنای خاص تعلق را از محیط استنباط می‌کند (فرورنده و مطلبی، ۱۳۸۹، ص. ۷).

به طور کلی می‌توان دو دسته‌بندی را برای حس تعلق به مکان اشاره کرد: - تعلق اجتماعی: این گونه از تعلق عمدتاً بر پایه تعاملات و کنش‌های اجتماعی در محیط صورت می‌گیرد. بر اساس نظریه محیط اجتماعی شکل گرفته و محیط از این منظر گونه‌ای از تعلق، ترکیبی از عناصر اجتماعی را دارا می‌باشد که فرد در آن جست‌وجوی تعلق خاطر خود می‌پردازد. - تعلق کالبدی به مکان: این نوع از تعلق، برگرفته از عناصر و اجزاء کالبدی مکان به عنوان بخشی از فرآیند شناخت و هویت انسانی می‌باشد (عباس‌زاده و دیگران، ۱۳۹۳، ص. ۵). عوامل مؤثر بر ایجاد حس تعلق به مکان، با توجه به دیدگاه‌های اندیشمندان مختلف در جدول زیر آمده است (همان، ص. ۸)؛

<sup>4</sup> Altman

<sup>5</sup> Lynch

<sup>6</sup> Robert Ryan

<sup>7</sup> Abraham Maslow

نظیر امام‌زاده‌ها که هزاران از آن در تمام شهرها روستاهای کوچک و بزرگ شکل چندین عملکردی خود را داشته و هم‌چنان فعال هستند (کیانی، ۱۳۸۶، ص. ۵).

مراکز مذهبی، زیارتی از دیرباز در تاریخ زندگی بشر وجود داشته و به عنوان فضاهایی معنوی، در افزایش روح معنویت و آرامش زائران نقش اساسی ایفا کرده‌اند. حرم امام رضا (ع) یکی از این اماکن زیارتی است که در میان مردم ایران از اهمیت بسزایی برخوردار بوده است (حواسی و ضیاء‌بخش، ۱۳۹۳، ص. ۱) علاوه بر مردم ایران، حرم امام رضا (ع) هر ساله پذیرای شیعیان بسیاری از سراسر جهان می‌باشد.

کشور عراق نیز مدفن شش تن از ائمه بزرگوار شیعیان و بسیاری از امامزادگان است و شیعیان بنا بر توصیه‌های اکید امامان معصوم همواره بر زیارت قبور مطهرشان اهتمام ورزیده، بدین وسیله روح خود را پالایش می‌نمایند و به درگاه باری تعالی تقرب می‌جویند (زرگر و مرتضوی، ۱۳۸۶، ص. ۶۰) در این میان، شهر کربلا با وجود حرم مطهر امام حسین (ع) و حضرت ابوالفضل (ع) بیشترین میزان مخاطب را در بین شهرهای عراق، دارا می‌باشد. این مسئله لزوم توجه به محیط کالبدی این اماکن متبرکه، در شهر مشهد و کربلا که پذیرای بیشترین زائران شیعه از سراسر جهان می‌باشند را امری ضروری می‌سازد.

یکی از اهداف طراحی اماکن متبرکه، از طرفی احساس آسایش، مطلوبیت، رضایت و راحتی مردم از این فضاها و در بعد دیگر ایجاد فضایی هویت‌مند می‌باشد که این امر با ایجاد حس تعلق به مکان و شناخت عوامل محیطی ایجادکننده آن، که از کیفیت فضا و چگونگی طراحی تأثیر می‌پذیرد، قابل تحقق است (عباس‌زاده و دیگران، ۱۳۹۳، ص. ۲).

### عوامل مؤثر بر احساس تعلق در حرم‌های مطهر

با توجه به موارد ذکر شده از نظرات اندیشمندان مختلف در خصوص عوامل ایجادکننده حس تعلق به مکان (جدول ۱) و بررسی موضوعات مؤثر در معماری فضاهای مذهبی و زیارتگاه‌ها، ۴ عامل، نمادها و سمبل‌های فرهنگی و اجتماعی- کالبدی، اندازه و مقیاس، خوانایی و یادآوری خاطرات (خاطره‌انگیزی) به عنوان شاخصه‌های تأثیرگذار بر ایجاد حس تعلق در فضاهای زیارتی عنوان شده و در دو نمونه مشهد (حرم امام رضا (ع)) و کربلا (حرم امام حسین (ع) و حضرت ابوالفضل (ع)) به صورت مختصر بررسی شده است.

از آن‌جا که بعضی از ۴ عامل ذکر شده در صحبت‌های اندیشمندان با واژه‌های متفاوتی تعریف و بیان شده‌اند، در جدول زیر واژگان مترادف با این ۴ عامل، در دیدگاه اندیشمندان، آمده است؛

جدول ۲- واژگان مترادف با عوامل ایجاد احساس تعلق در فضاهای مذهبی در دیدگاه اندیشمندان، منبع: نگارندگان

است و از طرف دیگر مورد بازدید جهانگردان به عنوان یک اثر هنری معماری (کیانی، ۱۳۸۶، ص. ۵).

فضاها و مکان‌های دینی و مذهبی به دلیل شکل‌گیری‌شان که بر اساس اعتقادات و معنویات جوامع مختلف صورت گرفته، از تقدس، احترام و اهمیت ویژه‌ای در میان مؤمنین برخوردارند. این اهمیت هم ناشی از باور مؤمنانه افراد است و هم به دلیل ساختار خاص فضایی، معانی، نشانه‌ها و نمادهایی است که در این مکان‌ها وجود دارد. از طرفی مؤمنین هر دین ملزم به استفاده از نوعی فضای خاص عبادی هستند. این دیدگاه خود شامل نگرش‌های متفاوتی بر اساس معرفت-شناسی هر دین است که مکان حضور عبادت‌کنندگان را بر اساس دو تفسیر در متن هر دین شکل می‌دهد:

اول: ایجاد امکانات و مکانی جهت عروج و اتصال روحی با معبود بوده که این امر بیشتر به ساحت نظری هر آیین مرتبط می‌شود.

دوم: آن‌چه بیشتر، فضای عبادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد ناشی از ساختار مناسب عملی، احکام و اعمال عبادی، انفرادی و جمعی است که از ساحت عملی هر آیین در جهت پرستش معبود ناشی می‌شود. مجموعه ساحت نظری و ساختار عملی به شکل، ابعاد، نوع فضا و جزئیات آن نظام داده و به این ترتیب، معنا و عملکرد مقدمه لازم برای تولید شکل می‌شود. به عبارت دیگر معمولاً ساحت نظری و عملی هر دین، به مکان عبادی جهت‌گیری و به شکل آن نظام می‌دهد (حسینی، ۱۳۸۶، ص. ۲۲).

از مهمترین شهرهای مذهبی می‌توان مکه، مدینه، نجف اشرف، کربلا، کاظمین، مشهد و سامرا که میان مسلمان جهان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند را نام برد علاوه بر این بعضی از امام زادگان در نقاط مختلف جهان نیز تأثیرات بسزایی در تقدس بخشیدن به روح حاکم بر شهرها داشته‌اند (روحانی، ۱۳۸۶، ص. ۷۲).

### حس تعلق به مکان در فضای زیارتگاه‌ها

اماکن مذهبی تجلی‌گاه اندیشه روحانی و اجتماعی است که تعلق ابدی و ازلی انسان‌ها محسوب می‌گردند به این معنا که ارتباط زمینیان با آسمانیان در این نقاط برقرار می‌شود.

در میان اقسام مختلف فضاهای مذهبی، زیارتگاه‌ها به دلیل این که مخاطبان و زائرانی را از سراسر جهان به خود می‌خوانند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و شامل حرم‌ها، امام‌زاده‌ها و نیز بقعه‌های بزرگ و مشهور که اغلب جلوه زیارتگاهی دارند، می‌شوند.

هر چند بناهای این مکان‌ها، از جنبه معماری بسیار شبیه مساجد هستند اما تنها قسمتی از آن‌جا به نمازخانه اختصاص دارد و شاید به بیان گویاتر ادای نماز در فضای متعدد، الحاقی و جنبی حرم صورت می‌گیرد. کارکرد این فضاها صرفاً آیینی و زیارتی است و همانند مساجد تنوع و گستردگی، وسعت و اندازه را دارا هستند. حرم‌های مقدس پیامبران، امامان و نیز مکان‌های مقدس دیگر نظیر جمکران از جمله فضاهای معظم این دسته هستند که تا کوچکترین این حرم‌ها



شکل ۱: استفاده از آب در صحن‌های حرم حضرت رضا (ع)، منبع  
[dhashtominaftab.blogfa.com](http://dhashtominaftab.blogfa.com)



شکل ۲: سقاخانه در صحن انقلاب اسلامی به عنوان نماد، منبع  
[www.campin.ir\\_haram\\_emam\\_rezal](http://www.campin.ir_haram_emam_rezal)

در رابطه با مجموعه حرم سیدالشهدا (ع) در کربلا وجود دو گنبد طلائی حضرت ابولفضل (ع) و حرم امام حسین (ع) و ارتباط آن‌ها با هم و شکل‌گیری مجموعه بین‌الحرمین را می‌توان نام برد که موجب ایجاد یکی از قوی‌ترین نمادها و سمبل‌ها شده است. که البته در سال‌های اخیر با مسقف نمودن بخشی از صحن حرم، دید به گنبد تا حدی همراه با مانع، اتفاق می‌افتد که این موضوع می‌تواند درک گنبد را برای مخاطب مشکل کرده و از حس تعلق خاطر به فضای حرم بکاهد. شش گوشه بودن مضجع شریف امام حسین (ع) که تنها بقعه شش گوشه در بین حرم‌های مطهر می‌باشد به عنوان یک نماد و سمبل، عنصری برای ایجاد حس تعلق می‌باشد.



شکل ۳: گنبد حرم حضرت سیدالشهدا (ع)، منبع  
[www.surfingforhistory.com](http://www.surfingforhistory.com)

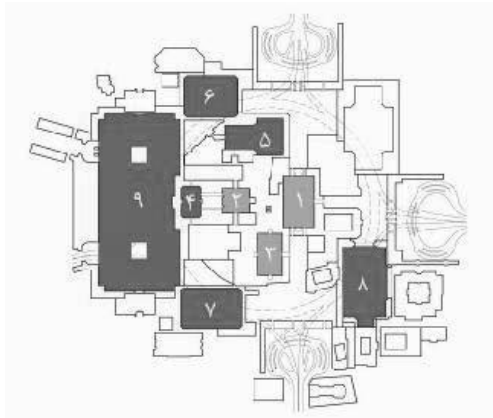
اندیشمندان	نمادها و سمبل‌های فرهنگی و اجتماعی-کالبدی	اندازه و مقیاس	خوانایی	یادآوری خاطرات (خاطره‌انگیزی)
آلتمن	عقاید فرهنگی	مقیاس	قابل دسترسی بودن	-
راپاپورت	نمادها و سمبل‌های فرهنگی و اجتماعی-کالبدی	-	-	-
لینج	نشانه	تناسبات	خوانایی، دسترسی	خاطرات جمعی، هویت
فریتز استیل	راز و رمز	اندازه مکان، مقیاس، تناسبات، مقیاس انسانی، فاصله	-	هویت، تاریخ، خاطره
بنلی و همکاران	-	-	خوانایی	رنگ تعلق
توان	-	لبه و مرز	ورودی و خروجی و نام‌گذاری	-
راجر ترنسک	-	-	حفظ تسلسل حرکت‌ها، پیوستگی لبه‌ها	-
لنارد	-	-	یادآوری خاطرات، حظ بصری	-
فرانسیس تیبالدز	-	مقیاس انسانی	ایجاد وضوح	محیط‌های ماندگار

### ۱. نمادها و سمبل‌های فرهنگی و اجتماعی-کالبدی؛

محیط ساخته شده برای مردم معانی بالقوه نمادین زیادی دارد. تشخیص این معانی، خودآگاه و ناخودآگاه در احساسات مردم نسبت به محیط و نسبت به خودشان اثرگذار است. علاوه بر این هویت یافتن با معانی نمادین محیط ساخته شده احساس تعلق مردم را به یک گروه اجتماعی یا یک مکان افزایش می‌دهد (لنگ ترجمه عینی-فر، ۱۳۹۱، ص. ۲۳۰).

گنبد‌های طلائی حرم ائمه، مهم‌ترین نشانه این مجموعه‌ها در صحنه (پرسپکتیو) بیرونی است و رؤیت آن‌ها دل زائر را به سمت امام سوق می‌دهد. توجه به رؤیت گنبد‌ها در طرح‌های توسعه موجب تقویت احساس حضور زائر نزد آن بزرگواران است. علاوه بر گنبد‌ها باید از سایر نمادها و نشانه‌هایی که ذهن و قلب زائر را متوجه حرم‌های شریف می‌کند بهره گرفت. به عنوان نمونه ایجاد پنجره فولاد در آکس‌های اصلی بقعه مطهر، قلب زائر را به سمت امام سوق می‌دهد. علاوه بر این نمادها بهره‌گیری هنرمندانه از نمادها و نشانه‌های معنایی مانند آب، نور و... نیز در روحانی کردن فضا نقش به‌سزایی دارد.

بین صحن‌های مجموعه حرم مطهر حضرت رضا (ع)، صحن انقلاب بهترین دید به گنبد را دارد. پس از آن صحن گوهرشاد و صحن آزادی دیدهای مناسبی به حرم دارند. هم‌چنین وجود دو پنجره فولاد در صحن انقلاب و صحن جمهوری به عنوان نمادی از ارتباط با بقعه مطهر و در آکس آن، می‌تواند حس تعلق در این صحن‌ها را افزایش دهد. وجود آب نیز در همه صحن‌ها به عنوان نمادی از پاکی و روشنایی و استفاده از نور در فضاهای داخلی و تلوؤ آن در آینه‌کاری-های سقف و جداره‌ها، موجب ارتباط برقرار کردن زائر با فضای حرم شده و حس تعلق را تقویت می‌نماید.



شکل ۵: پلان حرم حضرت رضا (ع)، منبع

همان‌طور که از ابعاد ارائه شده و نقشه مشخص است، اندازه صحن‌ها در حرم حضرت رضا (ع) عمدتاً در بازه قابل ادراک قرار دارند و از مقیاس انسانی برخوردارند و تنها صحنی که ابعاد آن خارج از مقیاس انسانی است، صحن جامع رضوی است که ایجاد حس تعلق در این صحن را با مشکل مواجه می‌سازد.



شکل ۶: تناسبات مناسب صحن‌های حرم امام رضا (ع)، منبع  
emame.reza.lxb.ir

از جمله موضوعات دیگری که در مقیاس مورد توجه است، مقیاس کف‌سازی است که به خصوص در صحن جامع رضوی خطای درک مقیاس به وضوح قابل تشخیص است.



شکل ۷: تناسبات نامناسب صحن جامع رضوی، منبع  
www.farsnews.com

از دیگر عناصر موجود در صحن که در درک مقیاس آن توسط مخاطب تأثیرگذار است می‌توان به مقیاس بدنه‌ها اشاره نمود. اندازه ارتفاع و عرض بدنه باید به راحتی برای زائر قابل درک باشد. روشن است که هرچه ارتفاع بدنه بیشتر باشد، محصوریت فضا بیشتر می‌گردد که البته مهم‌تر از ارتفاع بدنه، نسبت ارتفاع به عرض صحن است که



شکل ۴: ضریح شش گوشه حرم حضرت سیدالشهدا (ع)، منبع  
karbobala.com/news/info/337

## ۲. اندازه و مقیاس؛

ذهن انسان در درک اشیاء و مفاهیم، قابلیت‌ها و محدودیت‌هایی دارد. یکی از محدودیت‌هایی که در ادراک انسان تأثیر می‌گذارد، این است که ذهن قادر نیست اشیائی را که از حدی بزرگتر هستند به طور کامل درک کند.

صاحب‌نظران طراحی شهری در بحث راجع به فضاهای شهری بر اساس تحقیقات خود برای پلازاها و میدان‌ها حدود ابعادی را که برای ادراک انسان مناسب است، پیشنهاد کرده‌اند. آن‌ها حداکثر اندازه یک پلازا را ۲۰۰ در ۵۰۰ فوت (۶۷ در ۱۷۰ متر) پیشنهاد می‌کنند (عباس-زادگان، ۱۳۷۰؛ ص ۹۱) که بیش از آن کارکرد ادراکی مطلوبی ندارد زیرا اندازه یک فضای باز در ایجاد محصوریت آن نیز اثر مستقیم دارد.

در بررسی مقیاس فضایی در حرم‌های مطهر یکی از فضاهای مورد بررسی صحن‌ها می‌باشند که به دلیل بزرگی ممکن است، مقیاس انسانی خود را از دست داده و درک محصوریت را برای مخاطبان با مشکل مواجه نماید. هرچه صحن بزرگتر باشد، ایجاد محصوریت قوی، سخت‌تر می‌شود و به عبارت دیگر درک فضایی سخت‌تر در ناظر ایجاد می‌گردد. از طرفی اگر صحن از حدی کوچکتر شود کارایی و کیفیت خود را از دست می‌دهد. همان‌طور که گفته شد صاحب‌نظران طراحی شهری حداکثر اندازه یک پلازا را ۶۷ در ۱۷۰ متر پیشنهاد می‌کنند و از آنجایی که صحن‌ها در ادراک مشابه پلازا هستند می‌توانیم همین قاعده را در مورد آن‌ها بپذیریم.

در خصوص حرم حضرت رضا به دلیل داشتن صحن‌های متفاوت و در دست بودن اطلاعاتی در خصوص آن‌ها، ابعاد و اندازه صحن‌های حرم رضوی در زیر آمده است؛

۱. صحن انقلاب (عتیق): ۶۵ در ۱۰۵ متر
۲. صحن گوهرشاد: ۵۰ در ۵۵ متر
۳. صحن آزادی: ۵۰ در ۸۵ متر
۴. صحن قدس: ۴۰ در ۶۵ متر
۵. صحن جمهوری اسلامی: ۷۰ در ۱۲۰ متر
۶. صحن غدیر: ۸۰ در ۱۱۰ متر
۷. صحن کوثر: ۸۰ در ۱۱۰ متر
۸. صحن هدایت: ۹۵ در ۱۴۵ متر
۹. صحن جامع رضوی: ۱۶۵ در ۳۶۰ متر

### ۳. خوانایی<sup>۸</sup>؛

چگونگی و سهولت درک مردم از فرصت‌ها و موقعیت‌هایی که محیط به آنان عرضه می‌دارد، خوانایی نامیده می‌شود. در واقع خوانایی کیفیتی است که موجبات قابل درک شدن مکان را فراهم آورده و به تقویت حس تعلق به مکان، کمک می‌نماید.

مجموعه حرم باید به گونه‌ای باشد که زائر بتواند مسیر خود را تشخیص دهد و موقعیت خود را در مجموعه حرم بسنجد برای این که مجموعه حرم خوانا باشد ابتدا بایستی زائر مسیر خود را به درستی جهت‌یابی کند. جهت‌دار بودن فضا می‌تواند در جهت‌یابی زائر مفید واقع شود. رؤیت گنبد و سایر نشانه‌ها و چگونگی بدنه‌ها باعث جهت‌دار شدن فضا و تسهیل جهت‌یابی زائر می‌شوند. گنبد که نشانه‌ای است از محل مرقد و نقطه اصلی حرم، باید از نقاط مختلف مجموعه حرم دیده شود و احساس نزدیک شدن زائر به مضجع شریف باید از طریق رؤیت نشانه‌ها به درستی درک شود. از طرف دیگر زائر باید بتواند همواره موقعیت خود را در حرم بسنجد. وجود نشانه‌های مختلف و متفاوت در فضاها می‌تواند در این راستا به زائر کمک کند. کالبدی‌های یکنواخت ممکن است زائر را در تشخیص موقعیت خود به اشتباه بیندازد و لذا فضاهای متفاوت در عین وحدت نباید عیناً مشابه هم باشند. فضاهای مهم و اصلی و دارای سابقه تاریخی، معنایی و یا عملکردی باید در مجموعه حرم تقویت شوند و به نحوی شاخص گردند. این مسأله نشانه‌ای در ذهن زائران از آن مکان خاص ایجاد می‌کند که تقویت‌کننده حس تعلق به آن می‌باشد. عامل دیگری که به خوانایی حرم کمک می‌کند وجود سلسله مراتب مشخص و قابل درک است، به گونه‌ای که زائر به تدریج و در طی مراحل مختلف خود را در محضر امام درک می‌کند و در هر مرحله‌ای که به مرقد نزدیک می‌شود احساس حضورش پررنگ‌تر می‌شود.

در خصوص حرم حضرت رضا (ع)، در گذشته با توجه به قرار داشتن حرم در محل تقاطع دو محور بالا خیابان و پایین خیابان و خیابان طبرسی و خیابان تهران و ارتفاع ساختمان‌ها و بافت مجاور، در مقیاس شهری، خوانایی کافی وجود داشت. به نحوی که در هریک از این محورها، مخاطب می‌توانست حرم را ببیند و به این واسطه با آن ارتباط برقرار نماید. اما در حال حاضر با افزایش ساخت و سازهای پیرامون حرم و به خصوص بناهای بلندمرتبه، دید به حرم و همچنین جهت‌یابی در مقیاس شهری از دست رفته است.



میزان محصوریت را تعیین خواهد کرد. با توجه به زاویه دید انسان و همچنین بررسی نمونه‌های موفق، صاحب نظران به تناسبات مطلوبی در این زمینه دست پیدا کرده‌اند که در ذیل به آن اشاره شده است:

- اگر نسبت ارتفاع به عرض یک به یک باشد ناظر حدود نصف جداره را مشاهده می‌کند.

- اگر نسبت ارتفاع به عرض یک به دو باشد ناظر تمام جداره را مشاهده می‌کند.

- اگر نسبت ارتفاع به عرض یک به سه باشد ناظر علاوه بر جداره مقداری از آسمان را نیز مشاهده می‌کند. این تناسب جهت ایجاد محصوریت فضایی یک صحن مطلوب است.

- در نسبت یک به شش تناسب دیواره و آسمان عکس حالت قبلی است و صحن خیلی پهن و عریض به نظر می‌رسد (السعیدی، ۱۳۹۱، ص. ۴۲)

در حرم مطهر حضرت رضا (ع) به جز صحن جامع رضوی که در جریان توسعه‌های اخیر (بعد از انقلاب) حرم مطهر شکل گرفته است تناسبات مطلوب بدنه در تمام دیگر صحن‌ها مشهود است. در صحن جامع رضوی، نسبت ارتفاع بدنه به عرض صحن در حدود ۱ به ۱۱ می‌باشد که به نظر می‌رسد خیلی بیشتر از حد معمول است و محصوریت قابل توجهی برای فضا ایجاد نمی‌کند.



شکل ۸: تناسبات نامناسب صحن جامع رضوی، منبع  
[kabutareharam.ir/?p=410](http://kabutareharam.ir/?p=410)

در مجموعه حرم مطهر سیدالشهدا نسبت به حرم امام رضا (ع) شاهد صحن‌های کمتری هستیم که در مجموع تناسبات انسانی رعایت شده کاملاً در آن مشهود است و این تناسبات رعایت شده در بین الحرمین نیز قابل درک توسط مخاطبین و زائران می‌باشد و موجب درک بهتر فضا توسط مخاطب و تقویت احساس تعلق می‌گردد.



شکل ۹: تناسبات صحن حرم حضرت سیدالشهدا، منبع  
[artdl.ir/wp-content/uploads/2013/07/?MA](http://artdl.ir/wp-content/uploads/2013/07/?MA)



نکته‌ای که ممکن است درک فضا در حرم‌های مطهر در کربلا را دچار مشکل سازد، موضوع مسقف کردن صحن‌هاست که موجب می‌گردد گنبد از دید زائر ناپدید شده و لذا مسئله جهت‌یابی در ذهن مخاطب تا حدی با مشکل مواجه شود.

#### ۴. یادآوری خاطرات (خاطره‌انگیزی)؛

از میان همه ویژگی‌هایی که برای تقویت احساس تعلق در فضاهای زیارتی بیان شد، خاطره‌انگیزی ویژگی‌ای است که از شناخت‌های متعدد کالبدی، تاریخی، اجتماعی و رفتاری حاصل می‌شود. تقویت و حفظ خاطرات زائر از مجموعه زیارتی، در حقیقت زنده نگاه داشتن زیارت در طول زمان در ذهن زائر است. زائری که با شور و شوق بسیار به زیارت آمده است، پس از تمام شدن سفر زیارتی با خاطراتش باز می‌گردد. هر چه این خاطرات غنی‌تر باشد شور و شوق او برای آمدن مجدد بیشتر است. خاطره‌انگیزی مجموعه می‌تواند در کالبد، عملکرد و معنا اتفاق بیفتد. اتفاقات و عملکردهای مختلف مجموعه زیارتی نقشی ماندگار در بعد عملکردی در ذهن زائر باقی می‌گذارد و نهایتاً کالبد فضا در نقش‌انگیزی و ایجاد خاطرات خوب در ذهن زائر مؤثر است (رنجبر، ۱۳۹۳).

در حرم حضرت رضا (ع) توجه به نشانه‌های ذهنی و تقویت آن‌ها عاملی بسیار کارا در خاطره‌انگیزی فضاهای حرم می‌باشد. حفظ نام‌های قدیمی، تقویت عناصر شاخص و ارزشمند حرم مانند پنجره فولاد که از نمادها و نشانه‌های متناسب با هویت حرم می‌باشد می‌تواند در این زمینه شایان توجه باشد. وجود نقاره‌خانه در حرم حضرت رضا (ع) که خاص این حرم می‌باشد نیز یکی از عواملی است که خاطره‌انگیزی را افزایش می‌دهد.

فضاهای کالبدی خاص و نقاط ارزشمند اطراف و حفظ آن‌ها با همان کالبد و عملکرد و حفظ اسم قدیمی آن‌ها نیز از مهم‌ترین عوامل در خاطره‌انگیزی است که می‌توان به مسجد گوهر شاد در مجموعه حرم مطهر حضرت رضا (ع) اشاره کرد.



شکل ۱۴: پنجره فولاد حرم حضرت رضا (ع)، عامل خاطره‌انگیزی، منبع  
[en.mehrnews.com/photo/112694/Holy-journey-to-Mashhad](http://en.mehrnews.com/photo/112694/Holy-journey-to-Mashhad)

شکل ۱۰: ساخت و سازهای اطراف حرم حضرت رضا (ع)، منبع  
[www.mashhadpress.com/](http://www.mashhadpress.com/)

در بحث مجموعه حرم، در صحن‌هایی که از گذشته وجود داشته‌اند مانند صحن گوهرشاد، صحن آزادی، انقلاب و غیره به دلیل دید مناسب به گنبد و طراحی مناسب جداره‌ها و رعایت تناسب و هندسه، بحث جهت‌یابی و درک فضا به خوبی اتفاق می‌افتد و فضا از خوانایی کافی برخوردار است. حال آن که در توسعه‌های جدید مانند صحن جامع رضوی این موضوعات رعایت نشده است و زائر خود را در فضای صحن‌ها و گم شده احساس می‌نماید.



شکل ۱۱: دید به گنبد در حرم حضرت رضا (ع)، منبع  
[www.mihangram.com](http://www.mihangram.com)

در حرم حضرت سیدالشهدا (ع) و حضرت ابولفضل (ع) به دلیل مقیاس کوچک‌تر نسبت به حرم حضرت رضا (ع) و هم‌چنین سادگی مسیرها و رعایت سلسله مراتب دسترسی به بقعه متبرکه، خوانایی بیشتری حس شده و همین امر موجب می‌گردد زائر به راحتی آن مکان را درک کند. حفظ امتداد دید به حرم از طبقه دوم و حفظ خط آسمان و نگاه به گنبدخانه از جمله موضوعاتی است که به خوانایی فضا کمک می‌نماید.



شکل ۱۲: عکس هوایی از حرم سیدالشهدا و حضرت ابولفضل (ع)، منبع  
[2arbab.rozblog.com/tag/بین+الحرمین](http://2arbab.rozblog.com/tag/بین+الحرمین)



شکل ۱۳: بین‌الحرمین، منبع  
[www.funpatogh.com](http://www.funpatogh.com)

**جدول ۳- عوامل ایجاد احساس تعلق در حرم حضرت رضا (علیه‌السلام)، حرم حضرت سیدالشهدا (علیه‌السلام) و حرم حضرت ابولفضل (علیه‌السلام)، منبع: نگارندگان**

عوامل ایجاد احساس تعلق	حرم حضرت رضا (علیه‌السلام)	حرم حضرت سیدالشهدا (علیه‌السلام) و حضرت ابولفضل (علیه‌السلام)
نمادها و سمبل‌های فرهنگی و اجتماعی-کالبدی	مثبت	دید به گنبد طلایی پنجره فولاد در آکس بقعه آب در صحن‌ها نور در فضاها داخلی و تلاؤ آن در آینه‌کاری سقاخانه
	منفی	کاهش دید به گنبد با مسقف نمودن صحن
اندازه و مقیاس	مثبت	مقیاس مناسب صحن‌ها
	منفی	مقیاس نامناسب صحن جامع رضوی در ابعاد صحن و کف‌سازی
خوانایی	مثبت	سهولت جهت‌یابی در صحن‌هایی مانند گوهرشاد و آزادی و انقلاب با ایجاد دید مناسب به گنبد و طراحی مناسب جداره‌ها و رعایت تناسب و هندسه در صحن
	منفی	از بین رفتن خوانایی در مقیاس شهری با ساخت و سازهای نامناسب اطراف حرم
یادآوری خاطرات (خاطره‌انگیزی)	مثبت	حفظ نام‌های قدیمی تقویت عناصر شاخص و ارزشمند حرم مانند پنجره فولاد فضاهای کالبدی خاص و نقاط ارزشمند اطراف و حفظ آن‌ها با همان کالبد و عملکرد و حفظ اسم قدیمی آن‌ها



شکل ۱۵: نقر خانه حرم حضرت رضا (ع)، عامل خاطره‌انگیزی، منبع [www.farhangnews.ir/content/48466](http://www.farhangnews.ir/content/48466)

حرم حضرت سیدالشهدا (ع) و حضرت ابوالفضل (ع) به دلیل وجود مجموعه بین‌الحرمین، دارای تمایز از سایر مجموعه‌های زیارتی می‌باشد که این خود می‌تواند در صورت توجه در طراحی‌ها با تشخیص بخشیدن به این فضا، وجه خاطره‌انگیزی این دو مکان را افزایش داده و موجب تقویت حس تعلق به مکان در زائرین این مجموعه گردد. از جمله موضوعات دیگری که به خاطره‌انگیزی در حرم حضرت ابولفضل العباس کمک می‌نماید، میدان مشک در مقابل بارگاه ایشان، به یاد علمدار کربلا می‌باشد.



شکل ۱۶: میدان مشک، عامل خاطره‌انگیزی، منبع [www.marghademotahhar.blogfa.com/.../2](http://www.marghademotahhar.blogfa.com/.../2)



شکل ۱۷: بین‌الحرمین، عامل خاطره‌انگیزی، منبع [whoishussain.blog.ir/](http://whoishussain.blog.ir/)

در جدول زیر مجموعه عوامل مطرح شده و عناصر موجود در حرم‌های نمونه موردی که به تقویت و یا تضعیف عوامل کمک می‌نمایند، آمده است؛

### نتیجه‌گیری

اماکن مذهبی از جهات مختلف در شهرهای مذهبی حائز اهمیت می‌باشند. شهرهای مذهبی‌ای که متناسب با اماکن مقدس موجود در آن تعریف می‌شوند به دلیل ارتباط با اعتقادات مذهبی مردمان هم‌چنان جایگاه و هویت ویژه خود را در طول تاریخ حفظ می‌نمایند. یک مکان مقدس در ساختار شهر مذهبی پایدار می‌تواند هم به عنوان یک دیدگاه و هم یک نهضت، امیدهای فراوانی را در ارائه راه‌حل‌های صحیح و منطقی که حاوی کیفیت زندگی در شهرهای مقدس و ابنیه مذهبی می‌باشد در بر داشته باشد. از طرف دیگر، جاذبه‌های مذهبی، زیارتگاه‌ها و مکان‌های مقدس هر سال تعداد زیادی از گردشگران را به سوی خود جذب می‌کنند. بنابراین افزایش تقاضا برای گردشگری مذهبی پیشرفتی اجتماعی است و امری ضروری در زندگی مدرن تلقی می‌شود. بنابراین برنامه‌ریزی با رویکرد راهبردی می‌تواند یکی از شیوه‌های بهره‌برداری از این فرصت‌ها برای مناطقی با ظرفیت‌های فرهنگی و مذهبی باشد. توسعه فضاهای مذهبی براساس معیارهای طراحی شهری و معماری مناسب و تقویت گردشگری فرهنگی-مذهبی می‌تواند آثار و پیامدهای مثبتی را برای جامعه و افراد در بر داشته باشد و منجر به حفظ سرمایه‌های فرهنگی و اعتبار بیشتر آن خواهد شد. چنین نگهداشت و پاسداری از

[۹] السعیدی، مهدی، چارچوب طراحی فضاهای شهری واجد ارزش در شهرهای زیارتی، نمونه موردی: بین الحرمین کربلا، پایان نامه کارشناسی ارشد؛ رشته شهرسازی، دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، شهریور ۱۳۹۱

[۱۰] سیدیان، سید علی، حسن‌پور، مرتضی، ۱۳۹۳ ه.ش، تکیه؛ تجلی‌گاه تفکر معماری شیعه در هویت‌بخشی شهر اسلامی، مجموعه مقالات اولین کنگره بین‌المللی افق‌های جدید در معماری و شهرسازی، تهران، ۱۸ دی ماه ۱۳۹۳.

[۱۱] شیخ، دل‌آرام، ۱۳۹۳ ه.ش، "هویت" مفهومی قابل تأمل در معماری امروز ایران، مجموعه مقالات اولین کنگره بین‌المللی افق‌های جدید در معماری و شهرسازی، تهران، ۱۸ دی ماه ۱۳۹۳.

[۱۲] صفدری، سیما، تدوین راهنمای طراحی شهری جهت هدایت توسعه فضاهای مذهبی در بافت تاریخی؛ نمونه موردی: مشهد، بافت شری پیرامون حرم مطهر رضوی، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته طراحی شهری، دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، دی ۱۳۹۳.

[۱۳] عباس‌زاده، شهاب، میرخطیب، اسماء، معصومی، مسیح‌الله، ۱۳۹۳، واکاوی عناصر فضایی-کالبدی تأثیرگذار به بهبود حس تعلق به مکان در شهرهای ایرانی اسلامی، مجموعه مقالات اولین کنگره بین‌المللی افق‌های جدید در معماری و شهرسازی، تهران، ۱۸ دی ماه ۱۳۹۳.

[۱۴] غضنفری‌نیا، زهره، نصر، طاهره، ۱۳۹۳ ه.ش، بررسی نقش مؤلفه‌های کالبد شهری در ایجاد مفهوم حس مکان (نمونه موردی: مجموعه زندیه شیراز)، مجموعه مقالات اولین کنگره بین‌المللی افق‌های جدید در معماری و شهرسازی، تهران، ۱۸ دی ماه ۱۳۹۳.

[۱۵] فون مایس، پیر، ۱۳۸۴، نگاهی به مبانی معماری از فرم تا مکان، ترجمه و تحلیل آیوازبان، سیمون، تهران، دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۸۴.

[۱۶] لنگ، جان، آفرینش نظریه معماری؛ نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه؛ عینی‌فر، علیرضا، تهران، دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات، چاپ ششم، ۱۳۹۱ ه.ش.

[۱۷] الله‌دادی، بهاره، ۱۳۹۳ ه.ش، جست‌وجویی در مفهوم "معماری ایرانی-اسلامی" (تبیین ضرورت شناخت و درآمدی بر شناخت عوامل مؤثر بر آن، مجموعه مقالات اولین کنگره بین‌المللی افق‌های جدید در معماری و شهرسازی، تهران، ۱۸ دی ماه ۱۳۹۳).

[۱۸] محمودی، محمدرضا، ۱۳۸۶ ه.ش، جهانی شدن و معماری معاصر ایران، مجله معماری و شهرسازی، شماره ۸۸، پاییز ۱۳۸۶.

[۱۹] معظمی، منوچهر، ۱۳۸۵ ه.ش، گسست‌های فرهنگی در معماری دوره معاصر ایران، مجله معماری و شهرسازی، شماره ۸۴، بهار ۸۵.

این منابع در حال حاضر در جای جای اماکن مقدس منجر به توسعه پایدار گردشگری دینی خواهد شد.

توجه به عوامل ایجادکننده احساس تعلق در فضاهای مذهبی به ویژه زیارتگاه‌ها که در این مقاله به ۴ عامل نمادها و سمبل‌های فرهنگی، اجتماعی و کالبدی، خوانایی، اندازه و مقیاس و خاطره‌انگیزی پرداخته شد، می‌تواند در جهت هویت بخشی به این اماکن و هم-چنین شهرهای مذهبی تأثیر به‌سزایی داشته باشد.

با توجه به اهمیت موضوع هویت شهرهای مذهبی، امید است در پژوهش‌های آینده با بررسی بیشتر و جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه، بتوان به موارد و راهکارهای دقیق‌تری در راستای ایجاد احساس تعلق و هویت بخشی معماری در شهرهای مذهبی و پایداری این شهرها دست یافت.

## مراجع

- [۱] اسلامی، غلامرضا، کامل‌نیا، حامد، معماری جمعی؛ از نظریه تا عمل، تهران، دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات، ۱۳۹۲ ه.ش.
- [۲] آلمن، ایروین، محیط و رفتار اجتماعی، ترجمه نمازیان، علی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، مؤسسه انتشارات، ۱۳۸۲ ه.ش.
- [۳] جوان فروزنده، علی، مطلبی، قاسم، ۱۳۸۹ ه.ش، مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل دهنده آن، نشریه هویت شهر، شماره ۸.
- [۴] حجت، عیسی، ۱۳۸۴ ه.ش، هویت انسان‌ساز، انسان هویت‌پرداز (تأملی در رابطه هویت و معماری)، تهران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۴، زمستان ۸۴.
- [۵] حسنی کبوترخانی، مرتضی، پورامین‌زاده، پرویز، ۱۳۹۳ ه.ش، فرهنگ ایرانی، هویت معماری، بررسی تغییرات مفاهیم هویت معماری فرهنگ‌مدار از سنتی به مدرن در ایران، مجموعه مقالات اولین کنگره بین‌المللی افق‌های جدید در معماری و شهرسازی، تهران، ۱۸ دی ماه ۱۳۹۳.
- [۶] حسینی، سیده سمیه، آن‌چه ما از دست داده‌ایم (هویت شهر اسلامی).
- [۷] خاکی، مازیار، جهان‌بخشیان، مصطفی، ایجاد احساس تعلق جمعی در شهر معاصر ایران با باززنده‌سازی فرهنگ و هویت اسلامی-ایرانی در کالبد نماهای شهری.
- [۸] دیبا، داراب، ۱۳۸۱ ه.ش، معماری، تکرارگرایی جهانی و بحران-های منطقه‌ای، مجله معماری و شهرسازی، شماره ۶۴-۶۵، ۱۳۸۱.